



# بررسی مصداقی عدم تناسب مجازات در بعضی از قوانین کیفری و آرای محاکم قضایی



تقی برهانی  
وکیل پایه یک دادگستری  
مدرس دانشگاه

## مقدمه

«تناسب مجازات» توانسته است مجازات‌ها را از نگاه صرف و بسته فلسفی به نگاه انسانی تغییر دهد. این واژگان به‌رغم نمود نوین خود، از دیربگی برخوردارند. تناسب مجازات توانسته انقلابی در روش برخورد با بزهکار بنیان نماید، اما مانند هر دیگرگونی، به‌زودی بنیان‌های قدیمی واگرد نموده، در به همان پاشنه می‌چرخد. به این توضیح که تناسب مجازات کارایی خود را از دست می‌دهد. منتسکیو می‌گوید: «فساد یک جامعه دو قسم است: یکی موقعی که توده قوانین را مراعات نمی‌کند، که این درد چاره‌پذیر است؛ و دیگر آنکه قوانین توده را فاسد می‌کند، که این درد درمانی ندارد. زیرا درد ناشی از درمان است.»<sup>۱</sup> سخن از فساد است که از قانون سرچشمه می‌گیرد. بررسی نمونه‌ای به ناکارآمدی یا بی‌خاصیت شدن واژه گران سنگ «تناسب مجازات» در پاره‌ای از کیفرها و نه همه آن‌ها - که از گستره این نوشتار بیرون است - می‌پردازد.

۱- اهداف نظام‌های کیفری نوین از اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی علاوه بر سرکوبی و تنبیه سنتی بزه و بزهکار، تأکید بیشتری بر فراهم کردن زمینه بازگشت موفقیت‌آمیز اجتماعی - حرفه‌ای - اخلاقی مجرم به جامعه آزاد است.<sup>۲</sup> سیاست‌گذاران و مقام‌های

۱. بارون دو منتسکیو، روح القوانين، جلد اول، ص ۳۰۰، امیر کبیر، ۱۳۹۱  
۲. برنار بولک، کیفرشناسی، مجد، ص ۸، چ اول، ۱۳۷۲.



مسئول سیاست جنایی موفق، با نصب قضات آموزش دیده و فناوری بر روند بازاجتماعی شدن مجرمان نظارت می‌کنند. این نتیجهٔ باور به یافته‌های علم «کیفرشناسی»<sup>۳</sup> است. اما پیشینیان از این فکر غفلت نداشته‌اند، بنابراین با اعمال سیاست تناسب کیفر با عمل ارتكابی، خواسته‌اند ضمن کیفر و سزادهی در مقابل بزه و بزه‌کار، کیفر را واجد چهرهٔ انسانی و مقبول نمایند. معادلهٔ آنان این گونه رقم می‌خورد که: اول، مرتکب دارای ارادهٔ آزاد است؛ دوم، مجرم باید مسئولیت کار خود را بپذیرد؛ سوم، هیچ کس آن قدر بد نیست که نتواند به جامعه برگردد؛ چهارم، کیفر باید هم‌وزن بزه باشد تا عدالت در آن تصور شود. این گونه بود که مصالحی را برای کیفر در نظر می‌گرفتند. این «مصالح» در عنوان کلی خود، دربرگیرندهٔ مفاهیم بلندی چون: «نظم عمومی و اخلاق و عدالت» بود و در جزئیات شامل این موارد می‌شد: الف. تناسب و فایدهٔ مجازات با نظر به شخصیت مجرم و جرم ارتكابی؛ ب. جلوگیری از تکرار جرم؛ ج. اصلاح بازپروری و اجتماعی کردن مجرم.<sup>۴</sup>

۲- از مفاهیمی که می‌تواند تناسب را شرح نماید، باید به سه رویکرد اشاره کرد و آنگاه دریافت که مراد قانون‌گذار کدام مفهوم است.

رویکرد اول تناسب به معنای هماهنگی با عرف و جامعه است، به این معنا که زمانی تناسب به مثابه یک سیاست محقق می‌شود که مجازات تعیین شده تأمین‌کنندهٔ اهداف اجتماع باشد. این رویکرد را رویکرد گذشته‌نگر نام نهاده‌ایم.<sup>۵</sup> در این رویکرد، مجازات می‌تواند بی‌ثباتی اجتماعی را که در پی ناهنجاری بزه ایجاد شده، برگرداند. در همین گستره، تنبیه مرتکب به خاطر بی‌نظمی ایجادشده مشروع تلقی می‌شود. مجرم نظم مستقر را به هم زده است، پس برای اعادهٔ آن باید سزا ببیند.

رویکرد دوم تناسب به مثابه هماهنگی با خلیات و شخصیت مجرم است. در این رویکرد که مجازات غایت‌نگر و با نگاه به آینده تنظیم شده است، کیفر به تنظیم رفتار مجرم در آتیه نظر دارد. او باید برگردد و مسئولیت خود را بپذیرد. او عضوی از جامعه است و جامعه نیز در انحراف او بی‌تقصیر نبوده است. بزه اتفاقی است که افتاده، سیاست‌هایی باید اتخاذ گردد که از شیوع و ویروس جرم از مجرم به دیگران جلوگیری کند و نیز با تدابیر مفید در

۳. penologie

۴. برهانی تقی، مفهوم و مبانی مصلحت در قوانین کیفری، دانشکدهٔ اصول دین قم، ص ۷۴، چ اول، ۱۳۷۸.

۵. همان، ص ۷۴.



کاهش آلام بزه‌دیده و آشتی طرفین پدیده بزهکاری، امنیت روانی جامعه را حفظ نمود. رویکرد سوم در تحلیل تناسب، رویکرد هماهنگی در مصالح فرد و اجتماع است. گرایش آن اعتدالی و به‌روز و زمانه‌پسند است. مجازات‌ها متغیر و قابل چرخش با تغییر مجرم به‌سوی بازاجتماعی شدن است. نظامی که مشحون از نظارت حرفه‌ای بر رفتار حین تحمل کیفر و پس از آن است. این رویکرد مشحون از نظرات مکتب کلاسیک و مکتب دفاع اجتماعی است و بنا به نوع جرم ارتكابی و حساسیت جامعه و تغییرات و تحولات حین تحمل کیفر (درمان)، قابلیت تغییر دارد. سودمندی کیفر و تأمین دفاع اجتماعی تا سرحد ممکن، با بهره‌مندی از نظریات نوین جرم‌شناختی و کیفرشناسی از ویژگی‌های آن است.

۳- سیاست تناسب‌سازی و تکنیک تطبیق عمل ارتكابی از ظرفیت‌های تقنینی و قضایی است. قانون‌گذار باید فضای قانون را برای درمان مهیا سازد. اختیارات بدهد و سازوکار بایسته را به مقام قضایی ارائه نماید. قانون باید به‌گونه‌ای نگارش شود که دست قاضی در گزینش بهترین رفتار در حین کشف، تطبیق، اعمال و اجرا باز باشد. در نظام سزادهی، قاضی باید نقش فعالی داشته باشد و درباره نحوه تطبیق عمل ارتكابی موارد هفتگانه‌ای را رعایت کند و آموزش لازم را ببیند و از غرض‌ورزی و تندی بدون عاقبت‌اندیشی خودداری نماید. اینک در هر دو محور، با اشکال مواجه هستیم. در این باره به چند نمونه عملی در پایان نوشتار اشاره خواهیم کرد.

۴- پاسخ به این سؤال روشن‌گر است که: در صورت عدم رعایت سیاست‌ها و تدابیر در خصوص تناسب کیفر، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اولین فاجعه این است که تکرار جرم اتفاق خواهد افتاد. اگرچه آمار متقن و قابل‌استنادی از اینکه چه تعدادی از مجرمان به‌طور مکرر مرتکب جرم جدید یا جرایم مشابه شده‌اند، در دسترس نیست، اما آنچه غالباً در پرونده‌های کیفری قابل‌مشاهده است، این است که کیفرخواست‌ها درباره مجرمان دارای سابقه صادر می‌شود.

کمترین پیام «تکرار جرم» این است که سیاست کیفردهی درباره مجرم جواب نداده

۶. برهانی، تقی، مقاله تحلیل حاکم اصول حاکم بر نحوه تخصیص مجازات توسط قاضی کیفری، مجله کانون وکلای دادگستری قم، پیش‌شماره ۴ و ۵، سال دوم، تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۵.



و او بدون اینکه درمان متناسب بشود، به جامعه برگشته است. سیاست تهریبی مانند شلاق زدن و داغ و درفش کردن مؤثر واقع نشده است. اعدام‌ها در عدم اتکاب جرم توسط دیگران تأثیر نداشته است. عفو خصوصی دربارهٔ کسانی اجرا شده که با ریاکاری خود را خودساخته و پاک نشان داده‌اند. گویا زندان که قرار بوده به دانشگاه تبدیل شود، به مدرسهٔ جنایت و پاتوق آموزش و یارگیری بزهکاران بدل شده است. آیا ارتباطی بین عدم تناسب کیفر با تکرار جرم وجود دارد؟ چگونه می‌توان این ارتباط را کشف کرد؟

از نظر نظام کلاسیک، مجازات که مبتنی بر یک اندیشهٔ اخلاقی و فلسفی بوده و معادلهٔ آن پیش‌تر گفته شد، به بزهکار توجه ندارد و توجه آن مکتب صرفاً به تطبیق عمل ارتكابی با رفتار مجرمانه است. غایب بزرگ در بررسی پدیدهٔ مجرمانه جامعه است که تقصیر و نقش آن در به انحراف کشیدن اعضای خود مورد توجه قرار نگرفته و همهٔ آوار و ستم جرم بر سر مرتکب بیچاره خراب می‌شود. مرتکب که جای خالی علت‌های وقوع بزه به وسیلهٔ جامعه را در فرایند دادرسی و اجرای حکم می‌بیند، به اندیشهٔ انتقام برمی‌خیزد. اکثر جرایم صبغهٔ ضداجتماعی دارد و با خشونت انجام می‌شود. و زندان به‌عنوان کانون و خاستگاه بزه‌های حرفه‌ای، در تشویق او به ارتکاب مجدد بزه بی‌تأثیر نبوده است.

ارباب زندان‌ها و زندانیان حرفه‌ای و تأثیر آن‌ها در کند کردن روند تأدیب محکومان قابل توجه است و خود بررسی جداگانه‌ای می‌طلبد. مجازات‌های شدید و فاقد تناسب که اغلب توسط قضات غیر حرفه‌ای و بدون آموزش انشا می‌شود، همواره برای ارتکاب مجدد بهانه‌های متنوعی دست‌وپا می‌شود، به گونه‌ای خاص در وجود محکوم عقده می‌شود و در قالب یک جرم تکرار می‌شود. دومین اشکال این است که وقتی تناسب بین عمل ارتكابی و مجازات وجود نداشته باشد، بی‌عدالتی روی می‌دهد. نه تنها بزه‌دیده باید از قانون و اجرای آن آرامش پیدا کند، بلکه مجازات و کیفیت آن باید در روحیهٔ بزهکار این تلقی را ایجاد نماید که مجازات حق او بوده است و برای صیانت از خود او و جامعه ضروری بوده است.

تناسب مجازات قدرت اقناعی دارد و در این میان، باید سه دسته درگیر در پدیدهٔ مجرمانه را اقناع کند: نخست بزه‌دیده، سپس بزهکار و سوم دولت به‌علت مسئولیت در انتظام جامعه. در این میان، آیا دولت چیزی بیشتر از آشتی و صلح میان شهروندان را



می‌خواهد؟ شهروند بزه‌کار و خانواده او با توجه به عدم تناسب روحیه جامعه ستیزی و روحیه تنفر از دولت را پیدا می‌کند. اما تناسب سازی بین عمل ارتكابی و کیفر عدالت را به رخ می‌کشد و باور بزه‌کار را تغییر می‌دهد. به قول ارسطو، هیچ کس آن قدر بد و خبیث نیست که نشود در مانعش کرد؛ بنابراین، نباید مجازات‌های شدید و نامتناسب وضع و اجرا کرد. سومین اشکالی که عدم تناسب ایجاد می‌کند، رواج هرج و مرج است. بزه‌کار و بزه‌دیده این حق را برای خود قائل می‌شوند که اقدام برای تشفی خاطر نمایند یا خود را جای قانون گذار یا دولت بگذارند و حق خود را استیفا نمایند یا برای جبران زیان ناشی از مجازات نامتناسب اقدام نمایند.

چهارمین ایراد این است که عدم تناسب، اصل فردی بودن مجازات را نقض می‌کند. به بیان دیگر، عدم تناسب اصل اعمال کیفر متناسب شخصیت و ویژگی‌های جسمی روانی و اجتماعی را نادیده می‌گیرد. پنجمین ایراد عدم تناسب در مجازات، نقض اصل شخصی بودن مجازات است. اصل شخصی بودن به این معناست که هر کس برای تقصیری که مرتکب شده است، مواخذه می‌گردد و هیچ کس را نمی‌توان برای فعلی که دیگری مرتکب شده است، مسئول دانست. عدم تناسب دامنه مجازات را به خانواده مجرم و زن و فرزندان او گسترش می‌دهد. آیا مجازات‌های شدید مانند حبس‌های طولانی، مجازات‌های بدنی مانند شلاق‌های تعزیری، مخصوصاً برای جرایم سیاسی و غیره، بر زندگی خانواده و اطرافیان اثر نمی‌گذارد؟<sup>۷</sup> راجع به گستره زیان بار عدم رعایت تناسب، به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

#### ۴- تناسب سازی و نقش قانون کاهش مجازات حبس کیفری:

باتوجه به ناکارآمد بودن مجازات زندان در اصلاح و بازپروری زندانیان، همچنین به دلیل آسیب‌های ناشی از آن که موجب افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها شده است، دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا استفاده از مجازات را تا حد امکان محدود نمایند. بر این اساس، باتوجه به اینکه قانون مجازات موادی را در راستای مجازات جایگزین مقرر نموده است، ولی تابه حال به علت کاستی و نقص، از کارایی به‌سزایی برخوردار نبوده است.

۷. از مصاحبه رئیس قوه قضاییه ۱۹ آبان ۱۴۰۰ خبرگزاری ایسنا



بر این اساس، قانون کاهش حبس تعزیری با هدف کیفرزدایی در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۴ به تصویب رسید. این قانون، ضمن کاستن از مجازات (نه فقط زندان) برخی از جرایم تعزیری از مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری یا قلمرو آنها مانند جرایم قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع جرم و معاونت در جرم، تقلیل مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزین‌های حبس، مجازات تکمیلی، نظام نیمه‌آزادی، نظارت با سامانه‌های الکترونیکی، انشای حکم و صلاحیت دادگاه‌ها را تغییر داد.

قانون‌گذار ایران، به پیشنهاد قوه قضاییه و از طریق هیئت‌دولت، لایحه مذکور را را بررسی نموده است. این در حالی بوده که پس از سال‌ها از ایجاد نظام کیفردهی (از سال ۱۳۶۲ و بعداً در ۱۳۷۵ با تصویب قانون مجازات اسلامی) برای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها چاره‌اندیشی شده است. بدیهی است که تناسب‌سازی، چنان که گفته شد، باید ملاحظه منافع افراد درگیر پدیده مجرمانه، یعنی بزه‌دیده، بزه‌کار و اجتماع را بنماید. آیا این قانون که بر فلسفه کیفرزدایی بنا شده است به هدف خود رسیده است؟ برای ملاحظه پاسخ این سؤال، به تحقیقات مربوط ارجاع شده<sup>۸</sup> و ذهن خواننده ارجمند را به آن معطوف می‌دارد.

۵- بررسی چند نمونه از عدم تناسب:

الف- چند مورد در عدم تناسب جرم و مجازات در قوانین اول: جرم توهین ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵ چنین تعیین مجازات گردیده بود: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه، یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. اما مطابق با بند ج ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مصوب سال ۱۳۹۹ مجازات این جرم، به جزای نقدی درجه شش تغییر یافته است، که طبق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲، عبارت بود از بیش از ۲۰ میلیون ریال تا ۸۰ میلیون ریال. مضاف بر آنکه در مورد جزای نقدی، ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی، آن را به تناسب نرخ تورم اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی، هر سه سال یک‌بار، به پیشنهاد وزیر دادگستری و

۸. میرزایی یزدی، زهرا، موسوی سیداسماعیل، تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری، مصوب ۱۳۹۹ بر کیفرزدایی، نشریه قانون‌یار، سال ۱۳۹۹، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۲۸۶-۲۵۵.



تصویب هیئت وزیران، قابل تعدیل دانسته است.

لازم به توضیح است که هیئت وزیران به استناد ماده ۲۸ اصلاحی قانون مجازات اسلامی، مبالغ مجازات نقدی جرایم و تخلفات مندرج در قوانین و مقررات مختلف را در سال ۱۴۰۳ افزایش دادند. بر این اساس، جزای نقدی درجه شش بیش از دویست میلیون ریال تا هشتصد میلیون ریال تعیین گردیده است. جرم‌شناسی بزه توهین نشان می‌دهد که مرتکب این جرم از ویژگی‌هایی چون پرخاشگری، روحیات ضداجتماعی، فقدان تربیت و آداب خانوادگی، مشکلات روانی و دماغی و... حسب مورد رنج می‌برد. بزه‌دیده به‌موجب جرم توهین به‌شدت تحقیر شده و حیثیت او لکه‌دار می‌شود.

اکنون سؤال این است مجازات جریمه نقدی شخص موهن کدام نفع را برای بزه‌دیده یا اجتماع به‌عنوان بزه‌دیدگان واقعی دارد؟ جز اینکه خزانه دولت از پول پر می‌شود و منبعی برای کسب درآمد برای خزانه دولت شده است؟ امیدوارم قوه قضاییه میزان درآمد سرشار جریمه نقدی ناشی از ردوبدل شدن و وقوع جرم توهین را برای محققان منتشر نماید. بدیهی‌ترین برخورد با فرد موهن پس از شناخت علت، اقدام مناسب تأمینی یا تربیتی و نیز اتخاذ تدبیر برای تشفی خاطر بزه‌دیده است. این مجازات هدف بازدارنده‌ای را دنبال نمی‌کند و اصولاً از جنس جرم نیست. اهانت که در پی خشم است و مجازات جریمه نقدی چه کارکردی بر درمان یا تأدیب مجرم دارد و چه کمکی به حال بزه‌دیده می‌کند؟

ب- مجازات جرم افترا: ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی، با در نظر گرفتن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مجازات افترای عملی را حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه یا شلاق تا ۷۴ ضربه می‌داند و ماده ۶۹۷ همین قانون، با در نظر گرفتن قانون کاهش مجازات افترای قولی را جز در مواردی که افترا موجب حد بوده، جزای نقدی مقرر کرده است. محققان برای جرم افترا علت‌هایی را ذکر کرده‌اند، از جمله: شخصیت ناسالم، برتری طلبی و تکبر، رسیدن به مقام و منصب با حذف رقبا، ترور شخصیت، توجیه رفتار، حسادت و انتقام‌گیری و...<sup>۹</sup>

مجازات نقدی برای جرم افترای قولی و عملی متناسب نیست و با هیچ‌یک از علل وقوع

۹. ذوالفقاری، آجودانی. فصلنامه دانش انتظامی سمنان، سال هفتم، ش ۲۴، ۱۳۹۶.



جرم مبارزه نمی‌کند. اصولاً مجازات و جریمه نقدی توسط کیفرشناسان تجزیه و تحلیل شده است و به‌رغم محاسنی که برای جریمه نقدی قائل می‌شوند، ضررهای جریمه نقدی فراوان‌تر است؛ از جمله مخالفت با اصل شخصی بودن مجازات. به این صورت که هزینه تأمین آن بر همه اعضای خانواده تحمیل می‌شود. تمکن محکومان با یکدیگر متفاوت است، اما جرایم مالی یکسان برای همه وضع می‌شود. از این جهت، مغایر با اصل مساوات است. و آخر آنکه اخذ جریمه گاهی به دلایلی قابل وصول نیست، مانند عدم تمکن مجرم، اخفای دارایی و...<sup>۱۰</sup>

ج: پیشتر و در مقاله عدم تناسب در مجازات‌های انتظامی قضات، به‌طور ویژه و مصداقی به موارد متعددی اشاره شده است.<sup>۱۱</sup>

د: مجازات‌های قانون مبارزه با مواد مخدر: به‌طور مثال، در ماده ۸ این قانون به‌همراه داشتن یک گرم مواد مخدر توسط معتاد، منجر به دو سال و سه ماه حبس و جریمه نقدی و شلاق شده است. واضح است که چنین مجازاتی مناسب شخص معتاد نیست و مخالف اصل فردی بودن و اصل شخصی بودن مجازات است. ضمن اینکه حمل مواد در این حد، مقدمه استعمال است. قانون‌گذار و قاضی تصور می‌کند که شدت عمل از گسترش استعمال به مواد مخدر جلوگیری می‌کند، در حالی که شدت عمل تاکنون جواب نداده و از گسترش توزیع، حمل، و قاچاق و استعمال مواد افیونی نکاسته است.

ه: دادنامه‌هایی که اخیراً منتشر می‌شود و تدابیری به‌عنوان مجازات‌های جایگزین حبس یا مجازات‌هایی تکمیلی مقرر می‌دارد. بهتر است این ماجرا از رئیس دادگستری استماع شود: «رئیس دستگاه قضا، نمونه‌ای از این موارد را روز گذشته خود روایت کرد: به‌تازگی حکمی صادر شده، مبنی بر اینکه در یکی از نقاط کشور، فرد محکوم باید برای مدت معینی، به نماز جمعه برود و قاضی اجرای احکام نیز در نامه‌ای خطاب به امام جمعه آن منطقه، خواسته که نسبت به حضور فرد محکوم در نماز جمعه، اعمال نظارت شود. آدم وقتی این حکم را می‌شنود خنده‌اش می‌گیرد...»<sup>۱۰</sup> اژه‌ای تصریح کرد این‌گونه احکام کارهای خوب را هم زیر سؤال می‌برد. او تأکید می‌کند: «بار دیگر تأکید می‌کنم که قضات در صدور احکام جایگزین حبس، دقت نظر داشته باشند تا این احکام سبب زایل شدن

۱۰. صلاحی جاوید، کیفرشناسی، میزان، چ اول، ۱۳۸۶، صص ۱۶۲-۱۶۱.

۱۱. برهانی، تقی، مقاله تناسب مجازات در تخلفات انتظامی قضات، مجله کانون وکلای دادگستری قم، پیش شماره اول.



زحمات و اقدامات صورت گرفته از ناحیه آن‌ها نشود و موهن و تمسخرآمیز نیز نباشد.» طبیعتاً همان‌طور که قانون پیش‌بینی کرده، مجازات‌های جایگزین که البته در تمام دنیا نیز مرسوم است، راهکار معقولی برای کاهش تعداد زندانیان است. ما اینجا بخشی از مجازات‌های جایگزین را باهم مرور می‌کنیم و البته این موارد به تعبیر اژه‌ای، الزاما «خنده‌دار» نیستند، بلکه برخی از آن‌ها جالب و خواندنی‌اند.

- ماهی یک بار حضور در بهشت‌زها و شرکت در کلاس‌های «کنترل هیجان» در شهر قم و نوشتن پژوهشی درباره نواندیشی دینی با هماهنگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران.

- در سال ۱۳۹۵، یک قاضی در سوسنگرد کسی را که اقدام به قطع ۳۴ اصله درخت کرده بود، به دو سال کاشت و مراقبت از درختان محکوم کرد و بعداً معلوم شد که او از این کار خیلی خوشحال است و واقعاً از قطع کردن درختان پشیمان شده است.

- حکم برای راننده‌ای که بعد از مجروح کردن چند نفر در یک تصادف، متواری شده بود: با وجود جلب رضایت از شاکی‌ها، حکم جایگزین وی ۲۷۰ ساعت خط‌کشی خیابان‌های بندرعباس بود و از آنجا که فرد متأهل و دارای پنج فرزند بود، قاضی به او اجازه داد که ۴ ساعت در روز به اجرای مجازات بپردازد و پس از آن، برای امرار معاش به کار روزمره‌اش بپردازد. اما در کنار این موارد که اغلب آن‌ها منطقی و احکام معقولی به نظر می‌رسد، گاهی در رسانه‌ها از صدور برخی مجازات‌های جایگزین عجیب هم اخباری منتشر می‌شود. از جمله حکم شستن میت برای مجازات بی‌حجابی که سال قبل جنجال به پا کرد و پس از آن گفته شد که شعبه اول دیوان عالی کشور، حکم صادر شده برای شستن میت در یکی از غسل‌خانه‌های استان تهران را که برای یک زن به‌عنوان مجازات بی‌حجابی در خودرو صادر شده بود، در تاریخ ۷ شهریور ۱۴۰۲ لغو کرده است.

در عین حال، مجازات‌های جایگزین، راهکاری مناسب و در تأکیدات و دستورات رئیس کنونی قوه قضاییه نیز مطرح است و از همین رو، تعداد آن رو به فزونی است. بر اساس آمار رئیس امور پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۲۰۰ هزار رأی تحت عنوان مجازات‌های جایگزین حبس در دادگاه‌های سراسر کشور صادر شده است. او گفته است: در این دو-سه سال اخیر، تحول و تعالی را در دوره ریاست شهید رئیسی و



دوره آقای اژه‌ای شاهد بودیم که به بحث مجازات‌های جایگزین حبس نیز توجه بیشتری شد.

به‌طور متوسط، در سه سال اخیر، رشدی بین ۱۰ تا ۱۵ درصد را در مجازات‌های جایگزین حبس شاهد هستیم. علت استقبال از مجازات‌های جایگزین حبس این است که هم شکات و هم آحاد جامعه احساس می‌کنند که با زندان نرفتن افرادی که جرایم سبکی را مرتکب شدند و خدمات عمومی، جامعه بهتر منفعت می‌برد.<sup>۱۲</sup> اما این مجازات‌های بیتناسب در خارج از مرزهای ما هم وجود داشته که به ده مورد از آن‌ها اشاره می‌شود: بعضی از جنایات، می‌توانند مجازات بهتری از زندان داشته باشند. شرمساری عمومی یکی از این مجازات‌هاست.

## ۱- به زن دستور داده شد تابلوی «من احمق هستم» را در خیابان نگه دارد:

در نوامبر ۲۰۱۲، قاضی شهرداری، پینکی کار، به شنا هاردین ۳۲ ساله دستور داد دو روز در ساعات شلوغ، در قسمتی از شهر بایستد و تابلویی که روی آن نوشته شده بود: «فقط یک آدم احمق برای اجتناب از اتوبوس مدرسه در پیاده‌رو رانندگی می‌کند.» را نگه دارد. هاردین گناهکار اعلام شد؛ چراکه وقتی اتوبوس در حال پیاده کردن بچه‌های مدرسه‌ای بود، توقف نکرد. همچنین گواهی‌نامه هاردین به مدت ۳۰ روز به حالت تعلیق درآمد و ۲۵۰ هزار دلار نیز جریمه شد. قاضی اظهار کرد امیدوار است این حکم به رانندگان دیگر یادآوری کند برای اتوبوس مدرسه صبر داشته باشند.

تحقیر عمومی به‌عنوان نوعی مجازات در اروپا و ایالات متحده، سابقه‌ای طولانی دارد. در سراسر این کشورها، برخی از قضات شروع به محکوم کردن محکومین به روش شرمساری عمومی کردند، به‌طوری‌که مجرمان باید جنایات خود را به روش‌های تحقیرآمیز در معرض نمایش عموم قرار دهند. در حالی که قضات از این ایده حمایت کرده‌اند، باید دید که آیا شرمندگی و تحقیر در جلوگیری از تکرار جرایم مؤثر است یا خیر.

## ۲- مو در برابر مو: در ماه مه ۲۰۱۲، قاضی بخش نوجوانان ایالت کلرادو، اسکات

جوهانسن، به مادر یک متهم جوان راهی برای کاهش مجازات دخترش پیشنهاد داد.

۱۲. روزنامه خراسان، شماره ۲۱۶۲۶، گروه صفحه اول، شماره ۱.



دختر سیزده‌ساله این خانم، کیتلن لوپان، و دوستش، با یک کودک ۳ ساله در رستوران مک دونالدز دوست شده و سپس با قیچی موهای دختر بچه را کوتاه کرده بودند. در جلسه دادرسی رسیدگی به آزار کودک سه‌ساله و همچنین پرونده دیگری که شامل قلدری و تهدید با تماس تلفنی به یک نوجوان دیگر بود، قاضی جوهانسن، کیتلن را به ۳۰ روز بازداشت و ۲۷۶ ساعت خدمات اجتماعی محکوم کرد. اما سپس او به مادر کیتلن، والری برونو، پیشنهاد داد اگر می‌خواهد حکم دخترش کاهش پیدا کند، می‌تواند همان‌جا در دادگاه، موهای دخترش را قیچی کند. برونو موهای دم‌اسبی دخترش را قیچی کرد، اما بعداً پشیمان شد و از قاضی جوهانسون شکایت کرد. یوهانسن به دوست کیتلن که یازده‌ساله بود، نیز دستور داد موهایش را کوتاه کند؛ اما به او اجازه داده شد که برای انجام این کار به آرایشگاه برود.

**۳- یک جوان هفده‌ساله به ۱۰ سال کلیسا رفتن محکوم شد:** تایلر آلدرد هفده‌ساله، در نوامبر ۲۰۱۲، در دادگاه تولسا او کلاهما به قتل اعتراف کرد. آلدرد در دسامبر سال ۲۰۱۱، با یک دستگاه وانت تصادف کرد. کسی که داخل وانت بود، دوست آلدرد، جان لوک دام شانزده‌ساله، در این تصادف کشته شد. در زمان تصادف، آلدرد الکل مصرف کرده بود و با اینکه مست نبود، به نظر می‌رسید که به دلیل کم‌سن بودن، تا حدی تحت کنترل الکل بوده است.

طبق گزارش‌ها، خانواده جان لوک این حادثه را یک اتفاق تصادفی دانستند. خواهرش کیتلین دام گفت: «ما نمی‌خواهیم بینیم دو زندگی به خاطر یک اشتباه تلف شده‌اند.» بر این اساس، قاضی مایک نورمن، در حکم آلدرد ملایمت به خرج داد. او لیستی از شرایط را تهیه کرد و به آلدرد گفت اگر می‌خواهد تا ۱۰ سال آینده به زندان نرود، باید تمام کارهای داخل لیست را انجام دهد. آلدرد باید از دبیرستان فارغ‌التحصیل شود، از مدرسه جوشکاری فارغ‌التحصیل شود، به مدت یک سال آزمایش مواد، الکل و نیکوتین بدهد، در مراسم‌های مربوط به قربانی شرکت کند و یک شرط عجیب: برای ۱۰ سال آینده، هر هفته به کلیسا برود. وکیل آلدرد اظهار داشت که اجرای این حکم مشکل نخواهد بود؛ چراکه آلدرد همین الان هم هر یکشنبه در کلیسا شرکت می‌کند.



**۴- کودک شش ساله محکوم به مدرسه راهنمایی و رانندگی شد:** در سال ۲۰۰۹، در لس لونس، جان بادی سانچز، قاضی نیومکزیکو، پسری شش ساله را به مدرسه راهنمایی و رانندگی فرستاد. مادر این پسر به دلیل اینکه نمی توانست کمر بند ایمنی پسرش را ببندد، جریمه می شد. او برای سانچز توضیح داد که پسرش از بستن کمر بند ایمنی خودداری و بارها و بارها آن را باز می کند. او برای تربیت پسرش کمک خواست. سانچز از یک مربی آموزش رانندگی خواست تا کلاسی ویژه مادر و پسر درباره کمر بند ایمنی برگزار کند.

**۵- صاحب خانه دستور گرفت در ساختمان خراب خودش زندگی کند:** در سال ۲۰۰۸، قاضی دادگاه مسکن کلیولند، ری بیانکا، به صاحب خانه ای که چندین قانون ساخت و ساز در ده ها ملک اجاره ای را نقض کرده بود، دستور داد تحت حبس خانگی، در یکی از واحدهای خودش قرار بگیرد. نیکلاس دیونیسوپولس مجبور شد شش ماه در یکی از خانه های فرسوده اجاره ای خود زندگی کند، صد هزار دلار جریمه نقدی بدهد و همچنین تمام اجاره مستاجران را برای تعمیرات املاک خود استفاده کند.

**۶- زن فقط نان و آب دریافت می کند:** یک زن تگزاسی که در سال ۲۰۰۵ به گرسنگی دادن دو اسب محکوم شد، با یک شرط غیرمعمول، ۳۰ روز حبس در زندان دریافت کرد. او در سه روز اول، باید فقط نان و آب می خورد. قاضی مایک پیترز گفت: «او در این سه روز بیشتر از کل غذایی که اسب هایش خوردند، آب و نان خواهد گرفت.» وی همچنین دستور داد عکس هایی بزرگ از اسب های گرسنه را به دیوار سلول ملیسا داون سوئینی بزنند تا یادآور جنایت او باشد. به گفته دادستانی، سوئینی بیش از چهار ماه اسب ها را بدون غذا و سرپناه بیرون رها کرده بود. یکی از اسب ها جان سالم به در نبرد؛ اما اسب دیگر تحت کفالت شخصی جدید قرار گرفت.

**۷- چشم های یک نوجوان را پس از سرقت از فروشگاه فیلم بستند:** استاد «مجازات های خلاقانه»، یک قاضی دادگاه شهرداری اوهایو، مایکل ای سیکونتی است. سیکونتی در طی سال ها، ده ها حکم غیرمعمول صادر کرده است. او راجع به حکم های منحصر به فردش می گوید: «امروزه نمی توان مجرمان را سنگسار کرد. عدالت این است که آن ها از اشتباهات خود یاد بگیرند.»



در یکی از دادگاه‌ها، سیکونتی به جرمی شروود هجده‌ساله که به سرقت از فروشگاه فیلم محکوم شده بود، دستور داد تا بیرون فروشگاه، چشم‌پسته بنشیند و یک تابلو در دست خود نگه دارد که می‌گفت: «به شر نگاه نکن.» کاری که سیکونتی همیشه می‌کند، این است که به متهم حق انتخاب بین حکم سنتی و حکم خلاقانه متناسب با جرم خود را می‌دهد. در پرونده شروود، حکم سنتی، گذراندن ۳۰ روز در زندان بود.

**۸- وندال‌ها یک روز را با یک الاغ می‌گذرانند:** قاضی ایالت اوهایو، مایکل سیکونتی، به یک دختر و پسر که یک مراسم تولد عیسی مسیح را خراب کرده بودند، دستور داد به‌عنوان عذرخواهی، با یک الاغ در شهر راهپیمایی کنند. در شب کریسمس در سال ۲۰۰۳، جسیکا لانگ و برایان پاتریک، در شبستان یک کلیسای کاتولیک، مجسمه کودکی حضرت عیسی را از شکل انداختند و خراب کردند. سیکونتی این زوج را به ۴۵ روز زندان محکوم کرد و همچنین دستور داد تحت‌معالجه به‌خاطر مصرف مواد مخدر و الکل قرار بگیرند. اما آن‌ها ابتدا باید با یک الاغ که تابلویی به آن وصل بود، از خیابان عبور می‌کردند. روی تابلو نوشته شده بود: «به خاطر شوخی خرکی مان عذر می‌خواهیم.» همچنین به آن‌ها دستور داده شد که مجسمه جدیدی را جایگزین مجسمه خراب‌شده بکنند.

**۹- حکم «من یک دزد هستم»:** هر آخر هفته، به مدت شش سال: در سال ۲۰۱۰، دنیل میرلس و همسرش الویز، به جرم سرقت بیش از ۲۵۵ هزار دلار از هریس کانتی، محکوم شدند. آن‌ها این پول را از صندوقی که برای قربانیان جرایم بود، دزدیده بودند. پس از التماس از قاضی کوین فاین، این دو به یک مجازات تحقیرآمیز طولانی محکوم شدند. علاوه بر زندان، حکم بازپرداخت پول و انجام خدمات اجتماعی، این زوج به نگه داشتن تابلویی با عنوان «من یک دزد هستم» در یک تقاطع شلوغ شهر، به مدت پنج ساعت هر آخر هفته، به مدت شش سال محکوم شدند. همچنین به زوج میرلز دستور داده شد جلوی خانه خود تابلویی را با عنوان «ساکنان این خانه، دنیل و الویز میرلس، سارقان محکوم شده هستند» قرار دهند.

**۱۰- گذراندن یک شب در جنگل پس از رها کردن بچه‌گره‌ها:** مایکل سیکونتی، قاضی ایالت اوهایو، در سال ۲۰۰۵، میشل موری ۲۵ ساله را به گذراندن یک شب در



جنگل، بدون غذا و تجهیزات کمپینگ، محکوم کرد. موری ۳۵ بچه‌گربه را در پارک رها کرده بود. ۹ بچه‌گربه مردند و تعداد زیادی از آن‌ها در وضعیت بد جسمی پیدا شدند. سیکونتی چندین گزینه مجازات برای موری ارائه داد. موری بین ۹۰ روز زندان به دلیل رها کردن حیوانات خانگی، ۱۴ روز زندان همراه با ۱۵ روز حبس خانگی، ۳۲۰۰ دلار کمک به انجمن انسانی همراه با ۵۰۰ دلار کمک به محیط‌بانان پارکی که بچه‌گربه‌ها را پیدا کرده بودند، و گذراندن یک شب به تنهایی در جنگل، حق انتخاب داشت. موری جنگل را انتخاب کرد.

در اصل، در حکم وی شرط شده بود که او نمی‌تواند غذا و وسیله‌ای برای گذراندن وقت، مانند کتاب، داشته باشد؛ و می‌تواند فقط لباسی را که بر تن دارد، همراه داشته باشد؛ اما به دلیل دمای هوا، سیکونتی به او اجازه داد آتش روشن کند.<sup>۱۳</sup>

## و: نمونه یک لایحه برای اعتراض به عدم تناسب مجازات:

ریاست محترم دادگاه تجدیدنظر استان قم، سلام علیکم، نظر به ابلاغ دادنامه شماره ۱۴۰۳..... مورخ ۱۴۰۳/۷/۲۲ کلاسه ۰۳۰۰۳۹۷ دایر بر محکومیت موکل آقای م.غ. به اتهام حمل و نگهداری ۱۲۸ گرم تریاک و نگهداری ۱,۲۵۰ گرم شیشه به دو سال و سه ماه حبس و جریمه نقدی و شلاق محکوم می‌نماید. اینک باتوجه به ابلاغ دادنامه در تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۲ به شرح ذیل، استدعای رسیدگی و تجدیدنظرخواهی می‌نمایم. مقدمه: از استادم در ابتدای وکالت دادگستری در سال ۱۳۷۹ توصیه‌ای داشتم که فرمودند: حالا که می‌خواهی وکالت کنی، از قاچاقچیان مواد مخدر حمایت نکن. از آن تاریخ، از متهمی که مواد می‌فروشد حمایت نکردم و ان‌شاءالله تا مابقی عمر حمایت نخواهم کرد (رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ). دوم: در عصر یکی از روزهای نیمه دوم شهریور سال جاری، جوانی با معرفی یکی از دوستان قدیمی به دفتر آمد و اتهام‌های مذکور در دادنامه را پذیرفت و خواهان کمک شد. از او که صادقانه به جرایم خود اقرار کرد، ابتدا با فنون مختلف بازجویی کردم و اطمینان حاصل شد که فروشنده مواد نیست. در مرحله بعد از دوستی که معرفی‌اش کرده بود، سؤال و پرس‌وجو کردم که آیا راست می‌گوید یا خیر؟ او نیز شغل فروشندگی موتورسیکلت را تأیید کرد.

۱۳. کد خیر: ۷۶۹۳۷۴۶، خبرنگاران جوان، اسفند ۱۳۹۹.



به این نحو که موتورهای خارج از رده را می‌خرد و تعمیر می‌کند و با لحاظ تعمیر، آن را می‌فروشد. سپس از وضعیت مالی او سؤال کردم معلوم شد دارای پدری است ۶۶ ساله که با ارائه مدارک پزشکی، معلوم شد که از کارافتاده بوده و یک چشم او بر اثر تشخیص نادرست و سپس درمان صحیح پزشکی، نابینا شده است و حدود ۵ سال نیز در بیمارستان فارابی تحت کنترل بوده است.

پدر پیر و افتاده‌حال با مراجعه به اینجانب، درخواست کرد که اتهام نگهداری تریاک مربوط به اوست و پسرش (متهم فعلی) آن را برای کاهش آلام ناشی از ناراحتی عصبی و خانه‌نشینی، برای وی خریداری کرده است. او توضیح می‌دهد که دارای سه دختر است و عیال دارد و تنها خرج‌کش خانواده همین پسرش محمد است. مادر پیر و پدر پیر و خرج‌کش سه خواهر.

از این مرحله عبور کردم و در بررسی بیشتر، متوجه شدم که پدر صحیح می‌گوید. معرف نیز اعلام داشت که پدر تریاک مصرف می‌کند. از متهم پرسیدم: «در تحقیقات مقدماتی دادسرا - هرچند تأثیری نداشت - چرا نگفتی که تریاک مال پدر است؟» گفت: «ترسیدم او را بگیرند و سر پیری بی‌آبرو شود.»

در حال، این چیزی از جرم وی نمی‌کاهد ولی واقعیتی بود که گفته شد. حالا سه خواهر هستند، یک پدر و مادر پیر و دو فرزند زیر ۱۰ سال و عیال خودش که چشمشان به دست متهم است. در ادامه باید ذکر شود که: ۱. متهم یک مورد ۷ سال پیش «اعتیاد» داشته و این سابقه محسوب نمی‌شود، ولی دادگاه آن را به‌عنوان سابقه آورده است. ۲. یک گرم شیشه و دو سال و سه ماه حبس نه عادلانه است و نه با اوضاع و احوال خانوادگی و وضع مادی و معنوی متهم سازگار است. متأسفانه میزان مجازات تعیینی با جرم سازگار نیست و تناسب میان جرم و مجازات رعایت نشده است. ۳. ای‌کاش دادگاه بدوی به جای حبس دو سال و سه ماه که درجه ۵ است، از تأسیسات ارفاقی و تأدیبی و تنبیهی مستند به مواد ۱۸ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی استفاده می‌نمود.

بنابراین به صواب و صلاح نیست که یک نفر معتاد را به حبس محکوم نماییم، بلکه می‌توانیم از ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی استفاده نمود و چون جرم تعزیری درجه ۵ است، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا ۵ سال تعلیق کرد. این خواهش ما



از محضر دادگاه است. موکل شرایط ماده ۳۸ و ۱۸ قانون مجازات اسلامی را هم دارد. هم خرج کش پدر و مادر و خواهران است، هم دارای فرزند و عیال است و شاغل است. با این وصف، آیا صلاح است که به خاطر یک گرم شیشه که مصرف می کرده و صراحتاً اقرار کرده، از مزایای ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۶ این قانون محروم شود که تعلیق اجرای مجازات را پیش‌بینی کرده است و لابد در زمان تعلیق باید اقدامات تأمینی و تربیتی را انجام دهد؟

گفتنی است موکل حاضر است هر هفته آزمایش بدهد و در مراکز درمانی و روان‌شناسی حاضر شود و تحت کنترل باشد. نگهداری ۱ گرم شیشه به تنهایی نمی‌تواند عامل انتساب جرم نگهداری مواد مخدر باشد، بلکه باید اولاً در حجم قابل توجه مواد از شخص کشف شود که نشانگر قصد نگهداری و فروش مواد مخدر باشد، و در ثانی کشف مواد در حجم کم و ناچیز و محکوم نمودن شخص ولو مصرف‌کننده مواد مخدر به حبس، کاملاً در تضاد با سیاست‌های کلان مقنن و پلیس مواد مخدر بوده، چراکه فرد را بیشتر در دام اعتیاد فرومی‌برد و باعث تشدید حالت اعتیاد و از بین رفتن اهداف مجازات می‌شود که اصلاح مجرم را نیز شامل شده و باعث کاهش بازدارندگی قضایی و اجتماعی جرایم مرتبط با مواد مخدر می‌شود.

با احترام، تقی برهانی وکیل تجدیدنظرخواه<sup>۱۴</sup>

## نتیجه

متأسفانه دادگاه‌ها از مسئله تناسب مجازات به شدت غفلت نموده‌اند. تا زمانی که آمار صحیحی از تأثیر مجازات‌ها توسط عدلیه درز نکند، نمی‌توان پایه پژوهشی دقیقی را برای مجازات‌ها و تناسب آن بنا کرد. فوران و تورم کیفری بر جمعیت مجرمان خواهد افزود و زمان اصلاح جامعه کند و کندتر خواهد شد. بر مدیران دستگاه قضایی است که مرتباً نحوه تخصیص مجازات را پایش کنند و از وکلای دادگستری برای این مهم دعوت به عمل آورند.

۱۴. قابل توجه که این رای بدون هیچ تغییری در دادگاه تجدیدنظر قم تأیید شد. به قول سعدی شیرین سخن: «آه سعدی اثر کند در سنگ/ نکند در تو سنگدل تأثیر»

